



## با کودکان کار مهربان باشیم

کودکان کار گروهی از کودکان ما هستند که بیشتر به دلایل اقتصادی به جای رفتن به مدرسه به کار می پردازند. برخی از این کودکان در خیابان ها به کار مشغولند و گروهی دیگر در کارگاه های مختلف از جمله کارگاه های قالی بافی ، آجرپزی ، پوشاک ، کفش ، ساختمان سازی و یا در مزارع کشاورزی کار می کنند.

کودکان گروه دوم معمولاً دیده نمی شوند چون افراد کمی به مراکز کار آن ها دسترسی و یا با آن ها ارتباط دارند اما کودکان گروه اول از صبح تا شب در خیابان های شهر، اتوبوس ها و مترو می گردند و به فروش کالاهای خود مانند گل، دستمال، چسب زخم جوراب و... می پردازند، واکس می زنند، زباله گردی می کنند و گاهی هم با موسیقی غمگین خود، مردم را شاد می کنند. برخی از این کودکان از کشورهای دیگر به خصوص افغانستان آمده اند، این کودکان به علت شرایط نامناسب کشور خود به اینجا آمده اند و کودکان مهاجر یا پناهنده هستند.

اما با وجود تفاوت هایی که از نظر ملیت و سایر خصوصیت های ظاهری دارند همه در یک ویژگی ذاتی و اصل مشترکند و آن انسان بودن و بخصوص کودک بودن آنهاست که از این نظر تفاوتی با هم ندارند و نیازمند حمایت و محبت هستند و همه ی آموزه های اخلاقی ، دینی ، علمی و فرهنگی ما به این اصل تأکید دارند و مهرورزی و کمک به کودکان را توصیه می کنند.

همه ما هرروز کودکان کار و خیابان را می بینیم و رفتارهای متفاوتی از خود نشان می دهیم. برخی به آنهاحتی نگاه هم نمی کنیم و سرمان را برمی گردانیم تا آنها را نبینیم. بعضی با نگاه های ترحم انگیز به آنها می نگریم. گروهی با خشم و ناراحتی به آنها نگاه می کنیم و حتی گاه جملات ناراحت کننده ای به آنها می گوئیم.

گاهی هم اگر حوصله داشته باشیم و نگرش منفی نسبت به این کودکان نداشته باشیم، لبخند کوچکی می زنیم و یا از آنها خرید می کنیم. به راستی آیا این کودکان سزاوار این گونه رفتارها هستند؟ کودکان به علت شرایط سنی خود نمی توانند نیازهای خود را برآورده سازند و یا از خود دفاع کنند. وظیفه ما بزرگسالان است که از آنان حمایت کنیم. این کودکان به علت شرایط خانوادگی خود اجبار به کار دارند و در واقع نان آوران کوچک خانواده های خود هستند. ممکن است برخی از خانواده ها به دلایل گوناگون کودکان خود را زیر فشار زیاد کار قرار دهند اما بیشتر خانواده ها به کار کودکان خود نیاز دارند. برای منع کار کودکان باید اقدامات جدی تر و اساسی تری انجام داد و وظیفه دولت هاست که رفاه کافی و زندگی مناسبی برای شهروندان خود فراهم سازند. بی توجهی، توهین، تحقیر و خشونت با کودکان کار، نه تنها مشکل کار کودکان را حل نمی کند بلکه اعتماد، همدلی، یاری و مشارکت را که ضرورت های زندگی اجتماعی است، کاهش می دهد. کودکان کار، به جای شادی، بازی، استراحت و آموزش، برای کمک به خانواده خود اجباراً به کار می پردازند و از این شیوه ی زندگی، آسیب می بینند.

وظیفه ماست که تا حد امکان از آنان حمایت کنیم. اگر به دلایلی نمی توانیم یا نمی خواهیم به آنها کمک کنیم، با آنان مهربان باشیم و محبت خود را از آنها دریغ نکنیم. آنان را به عنوان کودکان نیازمند یاری و مهرورزی دوست بداریم و این اصل انسانی و طبیعی را بپذیریم که همه انسان ها، به ویژه کودکان، در هر شرایطی که قرار دارند، در برخورداری از حقوق خود با هم برابرند و تحقق این حقوق، از جمله وظایف ماست.